

نگاهی به سبک شعر امروز "تاجیکستان"

دکتر عبدالرضا مدرّس زاده^۱

چکیده

شعر امروز تاجیکستان به عنوان یکی از نمودهای اصلی زبان فارسی در هزاره سوم در خود ویژگی‌هایی دارد که در مقایسه با دیگر نمونه‌های شعر فارسی در ایران و افغانستان، ارزش مطالعه و نقد و بررسی دارد. مقاله حاضر کوشش می‌کند کارکردهای زبانی، هنری و فکری شعر فارسی تاجیکستان را ارزیابی کند و با آوردن نمونه‌هایی از این شعر، باب مقایسه میان شعر امروز ایران و تاجیکستان را باز کند. فرجام مقاله، نقاط فراز و فرود و قوت و ضعف شعر امروز تاجیکستان را نشان خواهد داد و این که چگونه بایست از این میراث ارزشمند فرهنگی پاسداری کرد و ارزشمندی‌های بالقوه آن را به فعل درآورد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، شعر فارسی، شعر تاجیکستان، شعر معاصر

ایران.

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

تاریخ وصول ۹۱/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش ۹۱/۰۵/۲۰

مقدمه

شعر و ادبیات سرزمین کهنسال تاجیکستان که بخشی از فرهنگ و تاریخ سرزمین بزرگ ایران را در بر می‌گیرد، اکنون در روزگار ما در مسیر بازجویی «روزگار وصل» است و عمده کوشش‌ها بر آن است که این زبان (که تاجیکی نامیده می‌شود و گونه‌ای از زبان فارسی تاریخی در ایران و فارس و خراسان تا فرا رود است) بتواند در مسیری قرار بگیرد که مکمل افتخارات تاریخی تمدت کهن این سرزمین و پیوند پذیرفته با زبان و فرهنگ و باورهای مشاهیر جهانی این زبان باشد. بی تردید شعر و زبان شاعران امروز تاجیکستان با شاعران ایران زمین تفاوت‌هایی دارد که اتفاقاً از نظر هنری و فنون شعر، این تفاوت‌ها عمدتاً سبک ساز و تعیین کننده مراتب و درجات هنری از طرفی و نیز روشن کننده تأثیر آداب و رسوم محلی و شرایط بومی و جغرافیایی بر شعر است این تفاوت نه در زبان فارسی و تاجیکی که با زبان دری در افغانستان هم به طور طبیعی خود را نشان می‌دهد.

مروری گذرا بر تاریخ تحولات سیاسی ایران نشان می‌دهد که با به قدرت رسیدن دولت شیعه مذهب صفوی و نیز تسلط ترکان عثمانی در سرزمین‌های شمالی ایران، آغاز گونه‌ای تغییر روی کرد از جنبه ادبی را شاهد هستیم به طوری که در ایران شعر دوره صفوی (سبک اصفهانی) شکل گرفت که در نقطه مقابل آن سبک هندی هم در هند و سرزمین‌های مجاور آن خود را نشان داد. هر چه از دوره صفویه دورتر می‌شویم تغییرات و اختلاف سبک خود را بیش تر نشان می‌دهد به گونه‌ای که شاعران فرارود و افغانستان و هند هم چنان شیوه شاعری بیدل دهلوی را دنبال کردند اما در ایران شاعران چندان تمایلی به ادامه دادن راه صائب^۱ و کلیم نداشتند و دوره بازگشت ادبی خود را نشان داد. مرور آثاری که در این مقطع زمانی در تاجیکستان و افغانستان سروده شده است به ما یادآوری می‌کند که روزگار بیدل‌گرایی^۲ در این سرزمین‌ها آغاز

نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان • دکتر عبدالرضا مدرّس زاده • صص ۲۰۱-۱۸۱ □ ۱۸۳

شده است و همین گرایش شاعران تاجیک و افغان به بیدل و روی کرد شاعران ایرانی به انوری و خاقانی و سعدی و حافظ، تفاوت عمده و سبک آفرین شعر هر دو بخش را دامن زده است.

پیش از ورود به بحث شعر امروز تاجیکستان نگاهی گذرا به دوره های شعر فارسی در این سرزمین، میزان عمق و نفوذ تحولات سیاسی بر شعر و ادبیات این سرزمین را نشان خواهد داد.

دوره های تاریخی شعر و ادبیات فارسی و تاجیک چنین است:

۱. دوره کلاسیک:

در این دوره رودکی و خاقانی و حافظ شیرازی و کمال خجندی بی پیش آمدن تفاوت های مرامی و کلامی و سیاسی و اجتماعی مورد توجه و استقبال هستند.

۲. دوره جدایی (از شیبانیان تا روس ها):

تحولات سیاسی و به ویژه مذهبی در ایران موجب جدا افتادن سرزمین های دور مانده از مرکز قدرت سیاسی آن روزگار می شوند و این امر با به قدرت رسیدن شیبانیان تقویت می شود.

در این دوره روس ها اجازه می دهند که فرهنگ و معارف پروری در سرزمین تاجیکستان نشو و نمایی داشته باشد. این دوره مقارن عصر قاجار در ایران است و به آن ادبیات معارف پروری گویند (رک. یاحقی، ۱۳۷۶: ۳۲۳).

۳. ادبیات شورایی (حزبی):

در این مقطع شعر و زبان فارسی تاجیکستان مورد توجه حاکمان مسکو نیست و زبان فارسی با محدودیت ها و دشواری هایی روبه رو می شود و به عبارتی مورد محاصره قرار می گیرد. این بی توجهی به زبان فارسی به نفع زبان و ادبیات ترکی و ازبکی است.

این شکل از ادبیات به روزگار پیش از استقلال کشور تاجیکستان در ۱۹۹۱ م. باز

۱۸۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، پاییز ۱۳۹۱

می‌گردد. از دهه پنجاه میلادی کم‌کم فضای باز سیاسی در کشور گسترده شوروی (سابق) حاکم می‌شود که به بهره‌مندی شاعران و ادیبان این سرزمین از آبخور زلال شعر و ادب فارسی منجر می‌شود. شخصیت‌های معروف ادبیات تاجیک که تا امروز روزگارشان دوام یافته است مانند لایق شیرعلی و مؤمن قناعت و گلرخسار فرزند این دوره هستند این دوره را ادبیات حقیقی و مردمی گفته‌اند (رک. همان).

در مقاله حاضر کوشش می‌کنیم با به دست دادن نمونه‌هایی از شعر تاجیکستان سبک و شیوه شاعری آنان را باز کاویم.

بحث و بررسی

سبک‌شناسی شعر تاجیکستان

الف) زبان شعر

برای رسیدن به ویژگی‌های سبکی شعر این سرزمین پیش از هر چیز توجه به زبان شعری مردمان آن ضرورت دارد. از یاد نبریم که زبان شعری سرزمین تاجیکستان و حتی زبان مادری آن سرزمین در این چهار صد سال دستخوش تحولات بسیاری شده است که نمی‌توان از آن‌ها برکنار بود.

روی‌کرد معمولی مردم به ویژه ادیبان این سرزمین به زبان بیدل دهلوی حتی اگر نه به صورت پیچیده‌گویی‌های آن شاعر بزرگ، بلکه به شکل ترکیب‌سازی‌ها و کاربرد واژگانی خبر آنچه در فارسی معیار مردم ایران کاربرد داشته است موجب پدید آمدن بخشی عمده از این تفاوت است. به گونه‌ای که در بخش ادبی هم از آن یاد خواهیم کرد شاعران تاجیک ترجیح می‌دهند به جای این که از روش شاعران مشهور ایران پیروی کنند، روش شاعری بیدل را استقبال کنند. دیگر این که تحولات عمیق و نفس‌گیر سیاسی در سده بیستم میلادی در این سرزمین و شکل‌گیری حکومت شوراهای و در نهایت محدودیت‌ها و فشارهایی که ادبیات و شعر نخستین پذیرنده به ناچار آن‌ها

نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان • دکتر عبدالرضا مدرسزاده • صص ۲۰۱-۱۸۱ □ ۱۸۵

بوده‌اند، تفاوت میان فارسی معیار تاجیکی و ایرانی را دو چندان کرده‌است به گونه‌ای که در مواردی برخی شاعران تاجیک با در دست نداشتن مایه‌های اصیل هنر شاعری که در ایران پس از ظهور نیمایوشیچ شکل گرفت، کم‌تر توانستند شعر خود را که نمادی از گنجینه زبان فارسی معاصر است به روز کنند هم چنان که شاعران بسیاری هم توفیق یافتند پا به پای شعر فارسی معاصر ایران شاعری را دنبال کنند.

برخی از مختصات زبانی شعر تاجیکستان چنین است:

الف - ۱) کاربرد واژگان با تلفظ کهن

کلابه به جای کلافه:

«تا رشته خیالم چرخ فلک مسپرده و در دست طفل شوخی گم شد سر کلابه»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۱۵۸)

کلند به جای کلنگ:

«گلند دست دهقان‌ها خبر از آبله دارد نبسته آب‌جویی قدر جو بار از کجادانی»
(آدینه، ۲۰۰۳: ۱۷۹)

الف - ۲) واژگان تاجیکی

منظور ما واژگانی است که در فارسی معاصر نیست:

«مفتون و محو خلق جهان می‌شوند اگر از غنچه لب تو نماید تتال، گل»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۲۰۴)

که تتال یعنی سخن پوشیده، معنی نهان.

«در دولت حسن تو نمود آن که خیانت در محکمه قهر تو افتاد به ترگو»
(همان: ۲۴۲)

ترگو به معنی بازپرسی است.

الف - ۳) واژگان روسی

در شعر معاصر تاجیکستان واژگان روسی به ناچار وارد شده‌است:

«میر شب اول بیان پیوه را سرباز کرد
مژده ای رندان که اکنون نوبت صهارسید»
(همان: ۲۱۸)

بیان به معنی مست و پیوه به معنی آبجو است.

«ای عطر و گل از نکهت موی تو پرستوی
از تابش رویت گل عطری شده فلشو
در عشق تو مشهور جهانیم به سیاز
در مهر تو مقبول زمانیم به سیلو»
که واژگان پرستوی به معنی بی‌ارزش، فلشو به معنی تقلبی و سیاز به معنی انجمن و سیلو
به معنی انتخابات است البته در سال‌های پس از استقلال، طبیعی است که از نفوذ و
حضور واژگان روسی در شعر معاصر تاجیکستان کاسته شده باشد.

الف - ۴) شکل تاجیکی ترکیب‌های ادبی

اگر از عوامل بیرونی سبک یکی نگرش خاص شاعر باشد و این نگرش خاص
برخاسته از زبان معیار بومی و شرایط جغرافیایی و فرهنگی باشد ناگفته پیداست که در
شعر تاجیکستان ترکیب‌هایی یافت شود که شکل محلی یا دگرگون‌شده آن ترکیبات در
شعر فارسی است (در مواردی هم برعکس) به این نمونه‌ها دقت کنید:^۳

گرگ ژیان به جای شیر ژیان

«جای آن دارد که در کولا از شکوه عدل او
گله گرگ ژیان را میش چوپانی کند»
(همان: ۶۵)

لای شراب به جای درد شراب:

«ساقی متاب رخ گرمی کن که قانعم
گر صاف باده نیست به لای شراب هم»
(همان: ۷۰)

کلفت هجران به جای رنج هجران:

«به تن خسته که از کلفت هجران فرسود
می رساند ز توام رایحه جان کاغذ»
(همان: ۱۱۷)

تحریک مژگان به جای جنبش مژگان:

نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان • دکتر عبدالرضا مدرّس زاده • صص ۲۰۱-۱۸۱ □ ۱۸۷

«نازم آن چشم سیاه مست کافرکیش را کار صد ساحر به یک تحریک مژگان می‌کند»
(همان: ۷۱)

یا تعبیرات یارمندی و وحشانیت (رک. همان: ۱۶۱) از این قبیل است.

الف - ۵) کاربرد خاص فعل

الف - ۵ - ۱) شکل کهن فعل: افتید به جای افتاد

«آن مه بالا نظر این درد ما را دید و رفت گویا نور جهان بر روی ما افتید و رفت»
(همان: ۱۵)

الف - ۵ - ۲) ساختن فعل از اسم یا صفت: می‌سبزد

«زمین می‌سبزد از دامان دهقان که در دامان دهقان دان دهقان»
(احمدزاده، ۲۰۰۴: ۱۲۷)

الف - ۵ - ۳) فعل‌های مجهول عربی: فوتید به جای فوت کرد

«پس آنگه که فوتید قاضی صدر نماندش ز قدری بر شاه قدر»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۱۸۷)

یا بخرجیدم به جای خرج کردم:

«صد حيله و تدبير بخرجیدم و سودا آخر نشنیدم سخنی زان شفیتینا»
(همان: ۵۳)

ب) ارزش‌های هنری و بلاغی (سطح ادبی)

از نظر ارزش‌های هنری و ادبی، شعر تاجیکستان چند ویژگی عمده و اساسی را که از نقاط قوت و ضعف آن تواند بود در خود دارد:

ب - ۱) بهره‌مندی از سبک شاعری بیدل دهلوی و شاعران بزرگی که راه و روش او را دنبال کرده‌اند.

ب - ۲) دور شدن از بلاغت و تصویرسازی‌های هنری و خیال‌انگیزی‌های مرسوم در شعر فارسی به دلیل جدایی جغرافیایی و فرهنگی از زبان فارسی.

ب - ۳) گزینش و پذیرش الگوهای شاعری در حالی که نمونه‌های عالی‌تر و بهتر از آن‌ها هم یافت می‌شود (تأکید بر نقش ابوالقاسم لاهوتی^۴ به عنوان بنیان‌گذار ادبیات نو تاجیکستان).

ب - ۴) از دست دادن امکان به روز شدن در شیوه‌های شعر و شاعری به دلایل فرهنگی و سیاسی.

ب - ۵) محروم ماندن از دیدار و مکاتبه و مشاعره با شاعران طراز اول معاصر ایران.

ب - ۶) الگو قرار دادن شاعران هم طراز و هم سطح خود (در حالی که ضرورتاً بایست شاعران صاحب سبک و مطرح مورد توجه قرار بگیرند).

در مجموع در می‌یابیم که همه محرومیت‌ها و به عبارت درست‌تر در محرومیت نگه داشتن مردم این سرزمین و عدم دسترسی به محضر شاعران صاحب سبک که بیش‌دلایل سیاسی و انگیزه‌های حکومتی پیش از انقلاب ۱۹۷۹م. ایران و استقلال ۱۹۹۱م. تاجیکستان مایه این افت تصویرسازی‌ها در شعر معاصر تاجیکستان شده‌است.

شاعران این سرزمین و برخی اعضای اتفاق نویسندگان تاجیکستان هم چنان مشعوف و خرسند از دیدار تاریخی استادان سعید نفیسی و دکتر خانلری و نادر نادریپور از سرزمین تاجیکستان در دهه ۶۰ میلادی هستند^۵ در حالی که در این فاصله شخصیت‌های ممتاز ادبی و شاعران صاحب سبک ظهور کرده‌اند که اگر تنگ نظری‌های سیاسی نبود (مانند گرایش پهلوی دوم به حکومت ایالات متحده آمریکا و دور شدن از همسایه شمالی که قطب مخالف آمریکا بود) این ارتباطات و مراودات بهتر برگزار می‌شد. هم چنان که به یمن ارتباطات قوی فرهنگی در دو دهه اخیر شعر امروز تاجیکستان با شعر یکی دو دهه قبل از آن تفاوت‌های چشمگیری را در خود به وجود آورده‌است.

پ) برخی ویژگی‌های ادبی شعر تاجیکستان چنین است

پ - ۱) کاربرد ردیف‌های اسمی و فعلی

این رویه را به ویژه ردیف‌هایی که در شعر فارسی ایران کم‌تر کاربرد دارند شاعران تاجیک از عبدالقادر بیدل میراث دارند برخی از این ردیف‌ها چنین است:

«اگر شود مه من بی حجاب در ته آب خورد همان ز حیا پیچ و تاب در ته آب»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۶۰)

«قاصدی کو که فرستم به تو جانان کاغذ تا بوسد کفت از جانب مایان کاغذ»^۶
(همان: ۱۱۷)

«افتاد تا گذار تو پیش دکان عطر زد نکهت قبالی تو آتش به جان عطر»
(همان: ۱۵۹)

«نشد با کنج ابرو خال مشکینت قرین تحسین گزید از گوشه لب طرفه جای دلنشین تحسین»
(همان: ۱۸۴)

این ردیف‌ها گاهی طولانی است:

«جهانی نغمه و خنیا دل تاجیک و ایرانی یکی دنیا در این دنیا دل تاجیک و ایرانی»
(محمدخانی، ۱۳۸۳: ۳۶۳)

ردیف‌های فعلی شاعران تاجیک بیش‌تر شبیه همین گونه ردیف‌ها در شعر بیدل است تا شعر فارسی ایرانی:

«تا همه غم‌های دل یک غم شود عاشق شوید تا شکنج زندگانی کم شود عاشق شوید»
(همان: ۳۶۲)

«در خون من غرور نیاکان نهفته است خشم و ستیز رستم دستان نهفته است»
(همان: ۳۶۳)

«به شمع بزم تو پروانه زار گردد و نالد چو شمع سوزد و بی اختیار گردد و نالد»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۶۳)

«دل‌م را به همه کار جهان کار است پنداری از این سودا ماغم گرم بازار است پنداری»
(همان: ۱۰۶)

پ - ۲) قافیه‌های تاجیکی و فرنگی

این ویژگی بیش‌تر در شعر دهه‌های تاجیکستان دیده می‌شود زیرا شاعران امروز به دلیل اصرار هوشمندانه‌ای که در شعر فارسی و تاجیکی و دری در ایران و تاجیکستان و افغانستان دارند از این رویه کم‌تر یاری گرفته‌اند.

به این نمونه‌ها دقت کنید:

«هر لحظه زخم تازه زند بر دلم فلک باشد ز زخم تازه دیگر بر آن نمک»
(همان: ۶۰)

که قافیه‌های آقپلک (آفت گیاهی) پتک (تکه‌ای نمد درون کفش) گزک (بد شدن زخم) کزک (زلف بنا گوش) در آن است.

«مدام طبع من از وجه یار ناچاق است که صبح و شام رفیق رقیب ایغاق است»
(همان: ۱۱۹)

که قافیه‌های ناچاق (ناتندرست) ایغاق (بی ادب) قشلاق (دهکده) قیراق (سنگ فسان) در آن آمده‌است.

گاهی در شعر سنتی تاجیکستان اشعاری برای محاوره گفته شده‌است که بیش‌تر واژه‌ها و تعبیرها و قافیه‌های آن تاجیکی است مانند این شعر معروف صدرالدین عینی:

«بازار ز بازار شریک از پل ده یک حلوا و مربا و کباب و می و شورک
یک ختله پر از سایه گی و پسته و بادام یک قتی پر از کوفته و رسته و پشمک»
(همان: ۱۵۳)

که شورک منظور آجیل شور و سایگی مویز در سایه خشک شده و رسته نوعی حلوا پسته است. در مواردی نادر قافیه‌های فرنگی هم مورد توجه شاعران بوده‌است:

«روی چمنت خنده زن پارچ و مسکو موی ذقنت طعنه زن باتوم و ورشو»
(همان: ۶۶)

پ - ۳) استقلال از شاعران دیگر

شاعران تاجیکستان رویه استقبال از شعر شاعران پیش از خود یا هم روزگار با خود را دنبال کرده‌اند اما با این تفاوت که به دلیل ساختار خاص محافل ادبی آنان (اتفاق نولیدکان و شاعران) که متفاوت از ساختار انجمن‌های ادبی ایران بوده‌است روی کرد آنان به استقبال از شعر شاعران و به طور کلی اقتراح ادبی آن گونه که در ایران بوده‌است کم رنگ و کم بسامد است. از سوی دیگر آنان به دلیل تأثیرپذیری از شعر بیدل دهلوی، استقبال از شعر شاعران فارسی (ایرانی) را در کم‌ترین حد خود و در مواردی بسیار مانند خود بیدل بی ذکر نام یا تضمین سطر می‌آورده‌اند و در نهایت استقبال شعری آن‌ها از کم‌ترین شباهت با شعر شاعران ایرانی برخوردار است.

مثلاً این غزل تحسین (رک. همان: ۶۰) که استقبال از غزل معروف حافظ است:^۷

«تویی که راه‌سلامت به شیخ و شاب زده هزار تیغ جفا بر من خراب زده»
که سراسر غزل عاشقانه است و نامی از حافظ نیامده و مصراع‌ی هم تضمین نشده‌است.^۸ یا این غزل لطفی (رک. همان: ۱۹۵) هم استقبال از غزل حافظ است بی هیچ اشاره و تضمینی:

«بیای گلشن فردوس رمزی از سرکویت بهارستان صد گلزار نقشی از گل رویت»

و نیز این غزل جهانگیر بیک مجنون (همان: ۲۱۴) از همین گونه است:^۹

«میل شراب دی بست عالی جناب کن ساغر به غیر نوش و دل ما کباب کن»
هم‌چنین این غزل نعمت‌الله محترم (رک. همان: ۲۰۱) استقبال از غزل معروف سعدی است.^{۱۰} که بیش‌تر به شیوه بیدل گرایش دارد (بیدل هم این غزل سعدی را بی نام و تضمین استقبال کرده‌است):

«سرو است قامت تو و سرو صنوبر است سبز است عارض تو و سبز منور است»

اگر هم شاعری قرار به استقبال شعر یا تضمین آن می‌گذارد ترجیح می‌دهد از صائب و هلالی جغتایی تأثیر بپذیرد تا از سعدی و حافظ و عراقی و عطار. مانند این مخمس

سلطان مراد آدینه که تضمین شعر صائب است.^{۱۱}

«همچو لاله داغ عشقش در جگر داریم ما مهر او را مشعلی بالای سر داریم ما
گرسوزش در دل خود صد اثر داریم ما "شیوه‌های چشم او را در نظر داریم ما
مویه موزان جنبش مژگان خبر داریم ما»

(آدینه، ۲۰۰۳: ۱۳)

یا تضمین همین شعر از شعر هلالی جغتایی:

«اگر دورم کنی از خود چو سایه در برت گردم اگر چاکم کنی سینه از آن پیش برت گردم
اگر رانی ز در گاهت فدای چاکرت گردم "اگر چون خاک پامالم کنی خاک درت گردم
وگر چون گرد بادم دهی گردسرت گردم»

پ - ۴) کیفیت تصویرهای ادبی

به نظر می‌رسد شعر امروز تاجیکستان به سبب دور ماندن در سال‌های گذشته از زبان فارسی رسمی، خو گرفتن با تصویرهای محدود بومی و جدالی نفس گیر که با فرهنگ روسی و کمونیستی داشته‌است، ضمن برخورداری از سادگی‌های خاص خود، در بهره‌مندی از تصویرهای بکر و جالب توجه ادبی کم‌تر توفیق داشته‌است. برای گواه این مطلب می‌توان از شعر معاصر افغانستان یاد کرد که تا پیش از اشغال این سرزمین در دهه هشتاد میلادی، شاعران بومی این سرزمین مفاهیم و دستاوردهای سنتی خویش بهره‌برداری می‌کردند اما با آغاز جنگ و مهاجرت شاعران به ایران و حتی کشورهای اروپایی، به سرعت دست مایه‌های ادبی آنان با فرهنگ و زبان و بلاغت کشور آمیخته شد و نسل امروز شاعران افغانستان آثارشان قابل مقایسه با شاعران نیم قرن گذشته کشورشان نیست. تجربه نشان می‌دهد شاعران تاجیک که امکان سفرهای فراوان به ایران را داشته‌اند و یا از شعر معاصر ایران بیش‌ترین آگاهی را دارند توانسته‌اند بر ارتقاء

و سطح بلاغت و هنرورزی‌های شاعرانه در شعر خویش موثر باشند.

این نمونه شعر را دقت کنید:

«شاعرا از سوختن داری خیر پس مکن از آتش سوزان حذر
تانسوزی ساختن مشکل بود دل به جانان باختن مشکل بود»
(محمدخانی، ۱۳۸۳: ۳۲۸)

البته از انصاف دور نشویم که این شعر در اوج سال‌های حکومت کمونیستی مه
نفس‌های زبان فارسی در سرزمین پاک تاجیکستان به شمار افتاده بود سروده
شده‌است و خود غنیمتی است.

یا این ادبیات:

«راه هست و راهرو هم لیک رهبر کجاست دل به یاد دلبر است ولیک دلبر کجاست
لشکر امید ما میدان گریزی می‌کند بهر نظم آن ولیکن مردافسر در کجاست»
(آدینه، ۲۰۰۳: ۴۹)

«بر فرق سر بیا و نشین همچو آفتاب بالاتر از حریم نگاه است جای دوست
دانی که چیست قدر نمکدان و لعل و زر با صد ترازو بر نکشد کس بهای دوست»
(احمدزاده، ۲۰۰۴: ۱۳۱)

«عشق حوری در زمانم می‌کشد اما به صد دل زنده می‌دارد مرا هر لحظه حور عشق ایران»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۸۳)

تأکید می‌کنیم نمی‌خواهیم زبان شعری تاجیکی با شعر فارسی کاملاً یکی و هم‌سان
شود زیرا دیگر ارزش‌های سبکی و مبتکرانه آن از میان خواهد رفت و شعر به وادی
تقلید خواهد افتاد. تنها امید ما به ارتباطات بیش‌تر و همگرایی‌های هنری است تا شعر
امروز تاجیکستان بتواند مسیر رو به رشد خود را بی‌درنگ، به سرعت پیماید.

ت) اندیشه‌های شاعرانه

بی‌تردید شعر معاصر تاجیکستان در همه دهه‌های سده بیستم و این سال‌های

نزدیک به ما سنگ صبور مردم با فرهنگ و صاحب ذوق این سرزمین بوده است. این که زبان و فرهنگ مردم تاجیکستان به همه محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها و ترک تازی‌ها و با همه آسیب دیدن‌هایش از میان نرفته است مرهون اندیشه‌های شاعرانه همین بس که صدرالدین عینی پدر ادبیات تاجیکی با حضور و کوشش خستگی ناپذیر خود در نجات سرزمین مادری اش از تقسیم بندی‌های خطرناک جغرافیایی سهمی فراموش‌ناشدنی دارد. شاعران و ادیبان تاجیکستان در آن سال‌های هراس و سختی دو وظیفه مهم داشتند یکی زنده نگه داشتن نام و یاد و آثار کسانی چون فردوسی، حافظ، مولوی و بیدل و دیگر سرودن اشعاری که نبض زبان فارسی در سرزمین زنده و پویا نگه دارد. به همین دلیل است که امروز یکی از بهترین سر فصل‌های اندیشه شاعران تاجیکستان ستایش ایران و نکو داشت فردوسی و مولوی و دیگر شاعران فارسی زبان است.

عبدالله قادری ممتاز شاعر معاصر تاجیک می‌گوید:

«حافظ و سعدی در اقلیم سخن چون نظامی سفته لولوی یمن
نظم بیدل رهنمای عقل‌هاست درمعانی شعر صائب برملاست
شاد گردد روح پاک مولوی چون حکایت آوری از مثنوی»
(شعر دوست، ۱۳۸۹: ۴۵)

علی‌اصغر شعر دوست در کتاب چشم‌انداز شعر امروز تاجیکستان فصلی را به "درون‌مایه شعر" این سرزمین اختصاص داده و مهم‌ترین مصداق‌ها و نمونه‌های اندیشه‌ورزی شاعران تاجیک را بیان کرده‌اند. برای تکمیل کردن بحث در این مقاله، برخی از این عنوان‌ها از منظر بررسی خود نقل می‌کنیم.

ت - ۱) توجه به افتخارات تاریخی تاجیکستان

تاجیک‌ها به درستی تبار سیاسی خود را از آل سامان می‌دانند و این نکته به خوبی

نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان • دکتر عبدالرضا مدرّس زاده • صص ۲۰۱-۱۸۱ □ ۱۹۵

در شعرشان بازتاب دارد البته جدانشدن ناجوانمردانه بخارا از سمرقند از سرزمین تاجیکان موجب شده است که آنان هر گاه از آل سامان سخن می رانند از این بی سامانی نیز یاد کنند. بازار صابر گفته است:

«پشت گردان مانده بر صحراییان تا حال هم چنان اسماعیل سامانیان تا حال
مانده از مشت کلوخس مشت ها تا حال گویا می ترسد از بی پشت ها تا حال»
(شعر دوست، ۱۳۷۶: ۸۵)

لایق شیر علی هم چنین به مویه گفته است:

«مسندی در حلقه صحرا نشینان بوستانی در میان شوره زاران
گلخنی در لابه لای کور دود پهلوانی در میان ناتوانان آل سامان...»
(همان: ۸۸)

ت - ۲) ستایش تاجیکستان امروز

ت - ۳) این اندیشه شاعرانه مربوط به سال های پس از استقلال این کشور در نهم سپتامبر ۱۹۹۱م. از اتحاد شوروی (سابق) است. شاعران تاجیک به رغم از دست دادن برخی از امکانات عمومی و اجتماعی که استقلال از روسیه از آنان دریغ کرد از داشتن زبان و پرچم مستقل بر خود بالیده اند و درمان همه کاستی ها را در ستایش وطن یافته اند.

سلطان مراد آدینه گفته است:

«دور استقلال آمد شکر دوران می کنم افتخار از نام و خاک تاجیکستان می کنم
روی پرچم تاج ملت نور دولت افشان تاج بر سر افتخار دوران می کنم»
(آدینه، ۲۰۰۳: ۴۳)

خانم گل رخسار هم سروده است:

«تاجیکستان سر هر سنگ تو بر من وطن است بر هر بوته خار تو برایم چمن است
ذره ای نیکم اگر درس تو از بر کردم ذره ای خوبم اگر حسن تو میراث من است»
(شعر دوست، ۱۳۷۶: ۱۰۷)

ت - ۴) نکوداشت ایران و مشاهیر ادبی ایران

در سال‌های پس از استقلال شاعران تاجیک به دلیل حسن شخصیتی که داشتند، استحکام بنای فرهنگ و ادبیات تاجیک را در گسترش ارتباط با ایران دانستند از این رو یکی از سر فصل‌های پر برگ و بار شعر معاصر تاجیک ایران ستایی است.

عطا خان سیف‌الله‌زاده گفت:

«در جهان ملک گل‌افشان قشنگ ایران است
تاجیکی‌ام و هم‌نوا با فارسی گردیده‌ام
ریشه و اصل مبدأ تاجیکان است
بد بود گویند اگر تاجیک و ایرانی جداست»
(همان: ۱۸)

نظام قاسم هم چنین سروده است:

«جهانی نغمه و خنیا دل تاجیک و ایرانی
خوشاوارسته و آزادبسال بسته و دلشاد
یکی دنیا در این دل تاجیک و ایرانی
همی فال حافظ باد دل تاجیک و ایرانی»
(محمدخانی، ۱۳۸۳: ۳۶۴)

ت - ۵) ادبیات غنایی (عشق و احساس)

این موضوع به عنوان موضوع همیشه مکرر و دوست داشتنی شعر فارسی و تاجیکی - و حتی شعر جهان - مطرح بوده است. در شعر تاجیکستان نمونه‌هایی از عشق بیان سنتی را سراغ داریم مانند:

«شوخی که حسن هر دو جهان در پناه اوست
بر خوبی‌اش دو کون دو عادل گواه است»
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۲۰۱)

«گفت دلبر خاک پایم کن به سر گفتم به چشم
سر ز خاک پای من کم تر شمر گفتم به چشم»
(همان: ۲۰۴)

«دوستان عرض امیدم بر نگار من برید
رحمتی بر خاطر امیدوار من برید»
(محمدخانی، ۱۳۸۳: ۳۲۴)

تا این نمونه‌های جدیدتر:

«چشم تو خواب مرا برد به بازار و به خود ناز خرید
همه ایجاد مرا داد به باد و همه اعجاز خرید»
(همان: ۳۴۷)

«و بی خط نگاهت راه را از یاد می‌بردم
اگر مهرت نبودی ماه را از یاد می‌بردم»
(همان: ۳۶۱)

«بامدادان که سراپای تو نورانی بود
عالم از فیض نفس‌های تو روحانی بود»
(همان: ۳۷۴)

به دلیل کارکرد خاص و متفاوت ملاحظات اخلاقی، در شعر عاشقانه تاجیکستان می‌توان تصویرهای غنایی برهنه‌تر و آشکارتر هم به چشم دید:

«مست می‌شد جان من در عطر آغوشش
همچو شب بر ماه رویش موی اومی ریخت»
(احمدزاده، ۲۰۰۴: ۱۲۵)

ت - ۶) باورهای دینی و آیینی

این مضمون را قاعداً بایست در شعر روزگار پس از استقلال (۱۹۹۱ م.) تاجیکستان جستجو کرد که با کنار رفتن نظام کمونیستی آزادی‌های عقیدتی راه‌های تازه‌ای را پیش همگان و به ویژه شاعران قرار داد. البته انتظار نداریم شعر مذهبی تاجیکستان رنگ و شدت و حدّت شعر فارسی را داشته باشد.

اما به هر روی سال‌های پس از استقلال تغییر ساختاری فکری و فرهنگی شعر تاجیکستان بر پایه مذهب و باورهای عمیق انکار ناپذیر است و از یاد نبردیم که در همه سال‌هایی که تاجیکان زیر بار سنگین نظام شوروی بودند علاوه بر زبان و شعر فارسی، باورهای اسلامی هم قوت قلبی برای آنان بوده است.

برای نمونه عبدالله قادری (ممتاز) در این شعر به شایستگی از امام علی علیه‌السلام یاد کرده است:

«ای باخبر ز غربت دنیای ما علی
یک شب به خلوت دل ما هم بیا علی
سر بهار جان دل خستگان نما
ای عطر آسمانی در دل رها علی

۱۹۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال سوم، شماره ۱ (پیدرپی ۹)، پاییز ۱۳۹۱

باغ بهشت و روضه دارالسلام آن یک جلوه است از تو و آل عبا علی
از خویش می‌روی به تماشای کردگار وقت نماز و زمزمه ربنا علی»
(محمدخانی، ۱۳۸۳: ۳۳۶)

دارا نجات هم شعری با نام رویش به مرور تاریخ صدر اسلام می‌پردازد و می‌گوید:

گریستم

به زاری فاطمه (س)

- این مظهر پاکی بانوان -

که رو به خاک قبر پدر سوده

نوحه سر می‌داد

آه ای پدر

با خود ببر مرا

و آب شدم

از این غم

آن سان که اندوه هم به آسمان کوچید

آنگاه خورشید نیز سیه پوشید

افق

دامن به خون حسین آغشته را جولان داد

برق

چون علی - شیر خدا - نعره کشید

باران ریخت

فاطمه در آسمان خدا می‌گریست

(همان: ۳۴۸)

نتیجه

۱. شعر امروز تاجیکستان - به عنوان ادامه‌دهنده و جریان‌دهنده نبض و نفس شعر فارسی در سرزمین نیاکان تاریخی و فرهنگی ما توان و ظرفیت فعال‌سازی ارزش‌های زبانی شعر فارسی را دارد که ضرورت رسیدگی به آن و رفع کاستی‌ها و تنگناها را در خصوص آن نباید از نظر دور داشت.

۲. از آنجا که تاجیکستان امروز کشوری است آرام و دور از تنش‌های سیاسی و سخت‌نیازمند به رشد و تقویت مبانی فرهنگی، شعر امروز این سرزمین نقش اول را در گسترش مبانی فرهنگی بر عهده دارد که نبایست از آن غافل بود.

مانند شعر سنتی فارسی و افغانی، شعر سنتی تاجیکستان هم امروز به مرزهای تازگی و نو شدن در کنار حفظ ارزش‌های فرهنگی سنتی رسیده‌است و به ویژه رسیدن به پاس شاعران تاجیک به سرزمین‌های دیگر امکان و استعداد نو شدن دو چندان شده‌است.

۳. شعر امروز تاجیکستان این توان را دارد که ضمن نو شدن به بهانه آنچه که باستان‌گرایی خوانده می‌شود مختصات زبانی و به ویژه مصداق‌های لغوی فارسی کهن را که از هزار سال پیش در سرزمین تاجیکستان بوده‌است ضبط و حفظ کند.

۴. هم‌چنان که شعر فارسی در ایران از روزگار مشروطه ارتباطی با فرنگ برقرار کرد، برخی تغییرات و دگرگونی‌ها را در خود پذیرفت. شعر تاجیکستان نیز با برقراری ارتباطات قوی با افغانستان و ایران و حتی دیگر کشورها توان آن را دارد که پاره‌ای تازگی‌ها و نوآوری‌ها را از دیگران اخذ و اقتباس کند و آن‌ها را هنرمندانه و مبتکرانه پرورش دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. صائب تبریزی مدتی را به سرزمین هند می‌رود اما شعر ایرانی او مورد پسند واقع نمی‌شود و می‌گوید:
بر حریفان چون گوارا نیست صائب طرز تو به که بفرستی به ایران نسخه اشعار را
(صائب، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۲)
۲. توجه به بیدل در این سال‌ها در ایران مرهون کوشش شاعران جوان مهاجر افغانی است و گرنه در ایران جنبشی آن‌گونه که باید باشد در کار نبوده‌است.
۳. این ویژگی بیش‌تر در شعر سنتی سال‌های پیش از استقلال دیده می‌شود.
۴. ابوالقاسم لاهوتی شاعر گریخته از ایران در آن سرزمین مورد استقبال بوده‌است که دلیل اصلی آن تلقی شدن لاهوتی به عنوان نماینده شعر معاصر فارسی است و کارش بدانجا رسید که او را بنیان‌گذار شعر تاجیکی دوره شوروی می‌دانند (دانشنامه ادب فارسی، جلد یک ذیل لاهوتی).
۵. استاد خانلری گزارش این سفر را مفصل نوشته‌اند (رک. هفتاد سخن جلد یک ص ۳۴۸ به بعد).
۶. بیدل سه غزل، ردیف کاغذ دارد از جمله:
ستمکش تو به قاصد اگر دهد کاغذ به سیل اشک زند دست و سر دهد کاغذ
(بیدل، ۱۳۸۶: ۱۶۳۸)
- حتی املاء بخاری شاعر بعد از بیدل هم گفته‌است:
نویسم نامه از سوز دلم اخگر شود کاغذ به خود بی‌حذر حیرانی و خاکستر شود کاغذ
(بخارایی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)
۷. حافظ گفته‌است:
در سرای مغان رفته بود و آب زده نشسته پیر و صلابی به شیخ و شاب زده
(حافظ، ۱۳۶۴: ۲۴۵)
۸. حافظ سروده‌است:
مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
(همان: ۸۴)
۹. استقبال از این غزل حافظ است:
صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن دور فلک درنگ ندارد شتاب کن
۱۰. سعدی گفته‌است:
از هر چه بگذری سخن دوست خوش‌تر است پیغام آشنا نفس روح‌پرور است
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴)
۱۰. این استقبال‌ها و تضمین‌ها بهترین معیار برای تشخیص سبک شعر تاجیک از شعر فارسی است.
۱۱. از دوست عزیز و شاعر معاصر آقای حسن قربی، کمال سپاس دارم که لوح فشرده این کتاب را پیش از انتشار در اختیارم قرار داد.

منابع

۱. آدینه، سلطان مراد. (۲۰۰۳). گلچین هوس. دوشنبه (تاجیکستان).
۲. احمدزاده، یوسف جان. (۲۰۰۴). خمار عشق. دوشنبه (تاجیکستان).
۳. املاء بخارایی. (۱۳۸۸). دیوان اشعار. به کوشش دکتر حبیب صفرزاده. تهران: الهدی.
۴. انوشه، حسن. (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی، جلد ۱ ویراست دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۸۶). دیوان اشعار. به کوشش دکتر محمد سرور مولایی. تهران: علم.
۶. حافظ. (۱۳۶۴). دیوان اشعار. به تصحیح دکتر غنی و علامه قزوینی. تهران: زوار.
۷. سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵). غزل‌های سعدی. به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: سخن.
۸. شعر دوست، علی اصغر. (۱۳۷۶). چشم‌انداز شعر امروز تاجیکستان. تهران: الهدی.
۹. _____ . (۱۳۸۹). ایران در شعر شاعران تاجیک. تهران: علمی و فرهنگی. (زیر چاپ).
۱۰. صائب تبریزی. (۱۳۸۳). دیوان اشعار. به تصحیح محمد قهرمان. ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. صدر ضیاء، شریف جان مخدوم. (۱۳۸۰). تذکار اشعار. به کوشش محمدجان شکوری بخارایی. تهران: سروش.
۱۲. محمدخانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). باغ بسیار درخت. تهران: سازمان فرهنگ. ارتباطات اسلامی.
۱۳. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). هفتاد سخن. ج ۲. تهران: توس.
۱۴. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۶). چون سبوی تشنه. ج ۴. تهران: جامی.